

مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی

الگوی جهان اسلام

* حسن منافی*

** راضیه خادم الحسینی**

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر تبیین مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی الگوی جهان اسلام است.

روش: این پژوهش با بررسی کتابخانه‌ای در زندگی‌نامه، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و وصیت‌نامه شهید و همچنین مصاحبه با افراد صاحب‌نظر و استفاده از نظر خبرگان نوشته شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد اعتقاد راسخ به اسلام سیاسی و ولایت فقیه، اراده قاطع بر حاکمیت دین خدا در جهان، تکلیف‌شناسی و انجام وظیفه، ذوب در انقلاب بودن و جهت‌گیری انقلابی و جهادی، سلوک معنوی و دوری از نفسانیت و خودخواهی، باور به کرامت انسان‌ها و شتافتن به کمک آن‌ها، مقابله و مواجهه با نظام سلطه، تدبیر، باور به داشته‌ها و اتکاء به آن و... از مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی است.

* کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد خمینی شهر، Hb.manafi@Yahoo.com

** کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه اصفهان، R.hosseini@edu.ui.ac.ir

نتیجه‌گیری: مکتب سلیمانی مکتبی جامع و مانع و ثمره حرکت هدف‌دار، سنجیده، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص حاج قاسم به‌سوی اهداف والا و الهی است. اکنون نوبت مسئولان و مدیران در سه قوه است که پایبند به مکتب سلیمانی باشند و با این سرمایه عظیم از گذرگاه‌های دشوار عبور کنند.

کلیدواژه‌ها: مکتب سلیمانی، جهان اسلام، ولایت‌مداری، اخلاص.

مقدمه

هر انسان آگاه و منصفی، فارغ از اندیشه سیاسی یا اجتماعی‌اش، گواهی می‌دهد که این عبارت پُر مغز و دقیق به حق شایسته سردار بزرگ اسلام، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است. مکتب سلیمانی امروز، مکتب بزرگی است که می‌تواند هر یک از جوانان این سرزمین را به سلیمانی‌دگرایی تبدیل کند. اما به‌راستی یک انسان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا مکتب‌ساز شود. سردار سلیمانی فقط متعلق به جهان اسلام نیست زمانی که منطقه را از تروریست پاک‌سازی می‌کند مرتبط با انسانیت و تمام انسان‌ها چه مسلمان و چه غیر مسلمان است پس سردار سلیمانی متعلق به جهان انسانیت است و برای تمام مردم جهان می‌تواند یک الگوی شاخص باشد. سردار عزیز دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی، سرباز مخلصی در راه خدا بود که توانست جهانی را دگرگون کند. سرو بلند مقاومت سر به آسمان می‌کشد. پرچم مجاهدت و استقامت با امواج محبت و اعلام وفاداری آزادگان جهان به نماد برجسته مقاومت برافراشته‌تر از پیش رخ‌نمایی می‌کند و این‌ها یعنی «سلیمانی» یک مکتب است. یک سیره، راه و روش است که با شهادت صاحبش طراوت بیشتری می‌یابد نه منشی بی‌اعتبار که با فقدان مالک آن به طاق نسیان سپرده شود. سلوک پیوسته در صراط مستقیم اسلام و انقلاب، از حاج قاسم اسوه‌ای ماندگار و گفتمانی زنده و درخشنده پیش روی ملت‌ها قرار داده است. با شهادت شهید سلیمانی یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین گزاره‌ها درباره شخصیت ایشان را رهبر معظم انقلاب فرمودند و از این شهید بزرگوار به‌عنوان «مکتب» یاد کردند: «سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت

اهمیت این قضیه روشن خواهد شد» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸). یکی از وجوه شهید سلیمانی وجه حکمرانی وی است و با نگاه مکتب می‌توان آموزه‌های مهمی در ذیل موضوع حکمرانی از مکتب این شهید استخراج و استنباط نمود. از این منظر در مکتب حاج قاسم برگی جدید و بدیع از انقلاب اسلامی رقم خورده است که در آن، حداقل در بعضی از عرصه‌ها، به‌خصوص نظامی و سیاسی، توانسته‌ایم مسائل خاص انقلاب و جمهوری اسلامی را نه در محدوده و قلمرو جغرافیای ایران فعلی، بلکه در سطح منطقه‌ای حل و فصل کنیم. ما امروزه با ملت عراق و بسیاری از ملت‌های دیگر، «هم مسئله» ایم. مکتب حاج قاسم، الگویی است که می‌تواند به ما در علوم اقتصادی و اجتماعی و مدیریت و... بیاموزد که مسائل این جهان، هیچ‌گاه به‌طور تام و تمام حل‌شدنی نیستند، اما آنچه اهمیت دارد آن است که مسائل مان را در سطحی کلان‌تر از ایران و با حضور ملت‌های مسلمان حل و فصل کنیم. عوامل مختلفی در جوامع مختلف سبب ایجاد وحدت و همدلی می‌شوند که در ایران چند عامل اصلی در داخل کشور برای وحدت و اتحاد وجود دارد ایدئولوژی که همان اسلام است و رهبری که همه زیر چتر رهبری در حال فعالیت هستند و این دو خصیصه ویژگی است که شهید سلیمانی از این دو ویژگی کاملاً برخوردار بود. در این مقاله برخی از ویژگی‌های این سردار رشید حماسه‌ساز را که باعث اتحاد و همدلی در بین کشورهای اسلامی می‌شود را بررسی می‌کنیم.

مکتب

مکتب، مجموعه جهان‌بینی و باور انسان است که به تفسیر انسان و جهان می‌پردازد؛ هنجارهای انسانی را مشخص و معین می‌سازد؛ نیاز انسان را به جهان‌بینی برطرف، و در نهایت نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن ارائه می‌کند. استاد شهید مطهری در تعریف مکتب می‌گوید: «یک نظریه کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها در آن مشخص است و خاستگاه الهام تکالیف و مسئولیت‌ها برای همه افراد است و

نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌نماید، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آن‌ها دعوت می‌کند و راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند و باید‌ها و نبایدهایی که انشاء می‌کند و مسئولیت‌هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی است که عرضه داشته است» (مطهری، ۱۳۹۲).

از آن‌جا که انسان امروز جهت‌گذار و وحدت‌بخش انسان فردا است، آرمان مشترک می‌دهد؛ ملاک خیر و شر و باید و نبایدهاست، فلسفه زندگی انتخابی آگاهانه مجهز به استدلال و باور جامع و کامل است؛ لذا مکتب و باور از ضروریات حیات اجتماعی است و چون اسلام باوری انسانی است، منشأ آن فطرت انسان است و مخاطبش تمام مردم هستند و به حکم اینکه مذهب است و دین خاتم بیش از هر مذهب آسمانی دیگر برای برپاداشتن عدالت اجتماعی آمده است (حدید / ۲۵؛ اعراف / ۷۹).

مکتب شهید قاسم سلیمانی

به منظور بررسی مکتب شهید سلیمانی، تعریف «مجموعه‌ای از اعتقادات محکم و منسجم، رفتارهای مرتبط و نموده‌های برخاسته از اعتقادات، خلیات و رفتار است به گونه‌ای که از فرد شخصیتی الگو و جامع ارائه می‌کند». سردار سلیمانی مصداق چنین انسانی بود. با نگاه اول به این ویژگی‌ها، شخصیتی فیلسوف از ایشان استنباط می‌شود درحالی‌که ایشان فیلسوف و یا دارای مشرب و سبک فلسفی خاصی نبود؛ هر چند می‌توان از همه رفتارهای ایشان به اصلی از اصول فلسفه اشاره کرد. وی به صورت مألوف در مدرسه علمیه یا دانشگاه تحصیل نکرده بود؛ هر چند می‌توان ایشان را فرزند حوزه‌های علمیه و دانشگاه دانست و می‌توان برای هر باور و رفتار و روش‌های ایشان تفسیری دینی و علمی ارائه کرد و حتی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به عنوان مظهر تدریس شود. همان‌طور که در بیان حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام و در بیانیه شهادت ایشان آمده بود، شهید حاج قاسم پیرو مکتب حضرت امام

خمینی علیه السلام بود و از این نظر هر آنچه در آموزه‌های دینی و سیاسی، اجتماعی آمده بود در وجود و رفتار این شهید تجلی داشت (زارعی، ۱۳۹۸). شهید سلیمانی به‌عنوان شاگرد این مکتب توانست جامع ارزش‌های اخلاق فردی و اجتماعی باشد و این امر اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چون این وجه امتیاز دینداری انقلابی از دینداری عافیت‌طلبانه و هم از انقلابی‌گری سکولار است. شهید سلیمانی نمونه موفقی از جمع بین معنویت دینی و جامعه‌گرایی ارائه کرد؛ عرفان را با سیاست و مبارزه گره زد و در مقام عمل آن را در حوزه نظامی نیز اعمال کرد (سخنرانی دکتر جمیله علم الهدی، ۱۳۹۸/۱۱/۱۲). همچنین می‌توان بیان کرد که شهید سلیمانی شخصیتی متدین بود؛ اما به افکار تحجرآمیز آلوده نبود. ایشان شخصیتی نواندیش و مبتکر بودند؛ اما به تجددمآبی آلوده نبود و همان‌طور که در بیانات حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام نسبت به شهید سلیمانی بیان شد، معظم‌له شهید سلیمانی را تربیت‌یافته اسلام و مکتب امام خمینی معرفی کردند و ایشان را فراتر از فرد، بلکه مکتب معرفی کردند و فرمودند: «به شهید حاج قاسم به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم» (خانی و محمدی، ۱۳۹۹).

جهان اسلام، مجموعه‌ای از کشورهای متعدد (۵۷) کشور است؛ این کشورها نقاط اشتراك و افتراق بسیاری دارند. اگر بخواهیم به جهان اسلام به يك كل هویتی نگاه کنیم، زمینه اشتراك آن‌ها عمدتاً حول محور اسلام، قرآن، و آموزه‌های اسلامی است؛ اما از زمان شکل‌گیری دولت ملت‌ها، ضمن این‌که این وجوه اشتراك بین کشورهای اسلامی وجود داشته، همواره وجوه افتراق نیز شکل گرفته و به تنش بین این کشورها دامن زده است (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۱). بخشی از آنچه به‌منزله بحران‌ها در جهان اسلام از آن‌ها یاد می‌شود به اختلافات داخلی برمی‌گردد که در کشورهای اسلامی وجود دارد و بیشتر اختلافات قومی و قبیله‌ای است؛ گفتنی است این اختلافات ضرورتاً متأثر از اسلام نیست، بلکه هویت‌های قومی و قبیله‌ای است که پُررنگ می‌شود و به‌نوعی آتش اختلاف را در بین کشورهای اسلامی شعله‌ور می‌کند. هم‌زمان با آن اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک نیز در بین کشورهای اسلامی وجود دارد که آتش اختلاف را در بین کشورهای اسلامی اضافه می‌کند (افروغ،

۱۳۸۸). نکته مهم بحث تفرقه در جهان اسلام است که موجب افزایش بحران در جهان اسلام شده است. اما در کنار این عوامل درونی، بخشی نیز به عوامل فرامنطقه ای مربوط است که کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی بیشترین بهره‌برداری را از آن در سالیان و دهه‌های گذشته داشته‌اند. بنابراین، شاهدیم که بسترهای اختلاف را در بین کشورهای اسلامی زمینه‌های شکل‌گیری بحران را در درون کشورها و در بین کشورهای اسلامی فراهم کرده است (جاوید موسوی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب، در سال‌های اخیر مجموعه این عوامل سبب اختلاف و تنش در جهان اسلام شده‌اند و کشورهای اسلامی را از آرمان وحدت و همگرایی بازداشته‌اند. بدین لحاظ در این مقاله با بررسی مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی در جهان اسلام به دنبال کاهش و خروج اختلاف و بحران در این کشورها هستیم.

محمد ظاهری (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهبد قاسم سلیمانی ابتدا با بهره‌گیری از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، فیلم‌ها و داده‌های متنی مرتبط با شهید، ۴۴ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده و ۶ مضمون فراگیر تحت عناوین مشی سیاسی، مشی اقتصادی، مبانی اعتقادی، زمینه‌های فردی، زمینه‌های شغلی و مشی فرهنگی استخراج، و سپس با استفاده از رویکرد ساختاری تفسیری نسبت به سطح‌بندی اقدام کرد که مبانی اعتقادی به‌عنوان اثرگذارترین مضمون در سطح چهارم، زمینه‌های فردی در سطح سوم، مشی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سطح دوم و زمینه‌های شغلی به‌عنوان اثرپذیرترین مضمون در سطح اول قرار گرفت.

زارعی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی با بررسی سرگذشت و ویژگی‌های شخصیتی و اعتقادی شهید سلیمانی، تشییع ایشان را غافلگیری بزرگ بیان می‌کند که مرزها را نوردید و پیام ایشان را به جهانیان رسانید.

علوی و اسماعیلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با استفاده از روش کیفی فراترکیب و آنتروپی شانون، بعد از تحلیل ۸۴ شناسه و دسته‌بندی آن‌ها در ۹۳۳۴ مقوله و ۵ طبقه اصلی، مؤلفه‌های معنوی، مدیریتی، نظامی، رفتاری و فردی را مؤلفه‌های فرماندهی مطلوب از دید

اسلام و بیانات مقام معظم فرماندهی کل قوا^{علیه السلام} بیان کرده، و بُعد معنوی را مهم‌ترین عامل دانسته‌اند.

خیرگو (۱۳۹۵) در پژوهشی ایجاد حس میهن‌پرستی و تقویت روحیه دفاعی را از پیامدهای ویژگی‌های ارزشی فرماندهی می‌داند که تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر سازمانی به تقویت اعتماد و روحیه اطاعت‌پذیری منجر می‌شود و در نهایت قدرت نظامی آجا را ارتقاء می‌دهد. از دیگر پیامدهای شکل‌گیری چنین مقوله‌ای، تقویت خودباوری و خودکفایی درونی، اعتماد و باور دینی و ارزشگرایی، تقویت حرکت در راستای اهداف و مأموریت‌ها، سازگاری و انطباق‌پذیری و روحیه انعطاف‌پذیری در برابر سختی‌ها و اعتماد و باور دینی و ارزش‌گرایی می‌داند.

روش‌شناسی

این پژوهش با بررسی کتابخانه‌ای در زندگی‌نامه، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و وصیت‌نامه شهید و همچنین مصاحبه با افراد صاحب‌نظر و استفاده از نظر خبرگان نوشته شده است.

یافته‌ها

برخی از ویژگی‌های سپهبد شهید قاسم سلیمانی

۱. ایمان به خدا

ایمان و اعتقاد به خدای یگانه، بلندترین و لطیف‌ترین اندیشه‌ای است که در مغز و فکر بشر راه یافته است که دل را روشن، امیدوار و خوش‌بین کرده، به آدمی نیرو می‌بخشد و قدرت مقاومت وی را مضاعف می‌کند. انسان مؤمن در مصائب و سختی‌ها، آرامش روانی دارد؛ زیرا از سویی خود را دارای تکیه‌گاهی محکم و پناهگاهی امن می‌داند و از این احساس، نیرو و نشاط می‌گیرد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، و از سوی دیگر در برابر پیشامدهای ناگوار، شکیبایی می‌کند و پاداش الهی را در مقابل خویش

می‌بیند: «أَتَمَّا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ». چنین انسانی این سختی‌ها را زودگذر می‌داند و در انتظار سعادت حتمی و جاودانی به سر می‌برد.

سردار سپهبد شهید سلیمانی، نمونه عینی انسان مؤمن به خدا بود که تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت. داشتن زندگی هدفمند، خشوع در نماز، امانت‌دار، وفادار به پیمان، توکل به خدا، پناه‌دادن به دیگران و یاری‌کردن مردان خدا، پاک‌دستی و اطاعت از خدا و رسول و نپذیرفتن ولایت کافران، جهاد با مال و جان، در برابر کافران سخت و در برابر یکدیگر مهربان و حکم‌کردن به عدالت را می‌توان در جزء به جزء زندگی این شهید عزیز مشاهده کرد. ایمان به خدا بود که او را شجاعانه تا خط مقدم نبرد با داعش می‌برد، بی‌آن‌که ذره‌ای ترس یا تردید به خود راه دهد. سردار سلیمانی، در حقیقت بسیار شبیه صعصعه بن صوحان، صحابی خاص امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ خَفِيفَ الْمَوْنَةِ وَ كَثِيرَ الْمَعْوَنَةِ؛ مردی سبک‌بار و کم‌هزینه، اما بسیار کمک‌کار و پُرازش بود. امروز بهتر و بیشتر مفهوم این فرمایش امام خمینی را درک می‌کنیم که می‌فرمود: «شهادت، هنر مردان خداست». در واقع سردار دل‌ها، هم مرد خدا و هم هنرمندی بی‌نظیر بود. لحظه لحظه زندگی‌اش با هنر خداشناسی و حضور در محضر پروردگار گذشت. رفتارهایش، سخنانش و عملکردش، گویای این هنرمندی بی‌بدیل او بود. او صادق‌الوعد بود و هیچ‌گاه وعده‌ای نداد که به آن عمل نکند؛ چنان‌که مردم نیز دیدند که وقتی وعده‌ای می‌داد، به آن عمل می‌کرد، تا می‌توانست عمل می‌کرد و حرفش را در قالب عمل به نیکی بیان می‌نمود. رضایت خدا و ولی خدا را در عمل به تکلیف می‌دانست و به اندازه‌ای به رهبر خود اعتماد و اطمینان داشت که بی‌چون و چرا از او اطاعت می‌کرد؛ زیرا او یک مؤمن واقعی بود.

۲. اخلاص

اخلاص را می‌توان یکی از مهم‌ترین فضائل اخلاقی، بلکه اصلی‌ترین فضیلت اخلاقی دانست که انسان به آن نیاز دارد. حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل برای خدا و به انگیزه تقرب به اوست؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ

مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». راز محبوبیت سردار سرافراز شهید حاج قاسم سلیمانی نیز در اخلاص اوست. رهبر معظم انقلاب بارها او را با صفت «اخلاص» معرفی کرده‌اند. ایشان در دیدار با خانواده این شهید با عظمت فرمودند: «می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلاست... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود. دل‌ها دست خداست؛ این که دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت». درجه اخلاص او تا آن جاست که وقتی دخترش برای حل مشکلی که در دانشگاه برایش ایجاد شده بود، با ایشان مشورت می‌کند، چنین جواب می‌شنود: «مبادا خودت را در دانشگاه معرفی کنی که من، دختر سردار سلیمانی هستم». تواضع و فروتنی بسیاری که در مقابل مردم داشت، برگرفته از اخلاص بی‌پایانش بود. این تواضع و فروتنی تا آن جا بود که حتی دشمنان نیز به آن معترف بودند؛ چنان‌که علی صوفان، مأمور ویژه سابق FBI درباره تواضع و فروتنی او می‌نویسد: «در حالت عادی، قدرتمندترین سرباز خاورمیانه، از تند و خشن سخن گفتن پرهیز می‌کند. مانع انجام هر اقدامی برای ستایش قهرمانی‌هایش می‌شود؛ به‌عنوان مثال اجازه نمی‌دهد طرفدارانش دستش را ببوسند. [این تواضع و فروتنی تا آن جاست] که یکی از روزنامه‌نگاران آمریکایی، او را تا سر حد ریاکاری، متواضع می‌داند».

۳. ساده‌زیستی

دوری از تجملات و تشریفات ظاهری دنیا، شیوه پیامبران و اولیاء الهی و بندگان خاص خداست که فطرت آدمی را پُرفروغ، و زمینه رشد فطری و دین‌باوری را تقویت می‌کند. چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا حَصَّنَ دِينَهُ؛ کسی که در دنیا زهد را پیشه خود سازد، دین خود را حفظ می‌کند». قدرت و ثروت، چشم دل و بصیرت آدمی را خاموش می‌کند و فهم صحیح را از او می‌گیرد، اما زهد و ساده‌زیستی موجب حق‌پذیری،

حق پرستی و آخرت خواهی و بزرگ‌ترین عامل رشد دنیوی و اخروی است؛ زیرا انسان زاهد، حق را می‌پذیرد و به حق عمل می‌کند.

شهید حاج قاسم سلیمانی انسان وارسته و زاهدپیشه‌ای بود که هیچ‌گاه به‌دنبال پست و مقام‌های دنیوی نبود و اگرچه می‌توانست با استفاده از موقعیت و جایگاه خود امکانات رفاهی فراوانی را برای خود و خانواده‌اش فراهم کند، اما ساده‌زیستی و نزدیک‌بودن به عامه مردم را برگزید. سردار سلیمانی، انسانی از دنیا بریده و آخرت‌گرا بود. حضور پیوسته و مداوم او در میدان جهاد و شهادت حاکی از این است که وی از دنیا دل‌کنده بود و تعلقش به دنیا و آنچه در آن وجود دارد، نداشت و خود را برای حضور در محضر پروردگار از طریق شهادت آماده کرده بود. از این رو بود که وقتی به او پیشنهاد کردند که کاندیدای انتخاب ریاست جمهوری شود، گفته بود: «من نامزد گلوله‌ها و نامزد شهادت هستم. سال‌هاست در این جبهه‌ها به‌دنبال قاتل خودم هستم، اما او را پیدا نمی‌کنم». او به‌دنبال هیچ پست و مقام دنیایی نبود و اگرچه زندگی‌اش مانند مردم بسیار ساده و بی‌آلایش بود، اما عملکرد و رفتارش بی‌مانند بود (خانی و محمدی، ۱۳۹۹).

۴. ولایت‌مداری

ولایت، ارزنده‌ترین نعمت الهی است که به بشر ارزانی شده و اکمال دین و اتمام نعمت است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي». در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكَنَّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ؛ اگر خدای متعال کسی را به این رزق برساند که محبت ائمه از اهل بیت مرا در سفره او قرار دهد، به تمام خیر دنیا و آخرت راه پیدا کرده است».

سردار بزرگ اسلام، در واقع مصداق کاملی بر این حدیث شریف بود. از عمق جان، شیفته اهل بیت عصمت و طهارت بود. اعتقاد و ارادت و عشق به خاندان رسالت، در اعماق وجودش رسوخ نموده بود. پیوسته متوسل به آن اختران تابناک آسمان امامت و ولایت بود. هرگاه به زیارت مضجع شریف یکی از معصومین تشریف می‌یافت، سُکر و نشئه حلاوت حضور در جوار مرقد مطهرشان، روح آسمانی‌اش را جلا می‌بخشید و بهجت و سروری تام

و تمام جان شیفته‌اش را فرا می‌گرفت. مجلس عزای حسینی را بر پا می‌کرد و خدمت در روضه سیدالشهدا علیه السلام را برای خود، افتخاری بس بزرگ می‌دانست. برای برگزاری جلسات اهل بیت اهمیت ویژه‌ای داشت؛ به گونه‌ای که شخصاً در این جلسات حضور پیدا می‌کرد، مقابل درب ورودی بیت‌الزهرا علیها السلام می‌ایستاد و به عزاداران خوش آمد می‌گفت. ایشان درباره اهمیت این مجالس می‌فرمود:

«مجلس حضرت زهرا علیها السلام باید به آن دقت کرد، باید احترام کرد، باید توجه کرد همه اصرار من در برگزاری این مجلس، این است که مجلس عبادت و عبودیت باشد. به همین دلیل باید به نماز اول وقت در این جلسات توجه شود، به همه موضوعاتی که در آن گفته می‌شود، توجه شود این جا نشستید، ذکری بگویید. همان‌طور که نشستید و آرام آرام گوش می‌دهید، ذکری را نذر کنید؛ برای یک چیزی، برای گرفتاری خودتان، اما حرف‌هایی که مربوط به جلسه عزادار حضرت زهرا علیها السلام نیست، مربوط به مجلس و جلسه عبادت نیست، نباید در این جلسه گفته شود این جلسه، جلسه گوش دادن است. جلسه توجه کردن، تفکر کردن و ذکر گفتن است». سردار بزرگ اسلام، به غایت ولایت‌مدار بود که به رهبر و مقتدایش عشق می‌ورزید. نگاه او به‌عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا، نه فقط از حیث رعایت سلسله مراتب نظامی، بلکه فراتر بود. از جنبه اعتقادی نیز سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت‌ها و اعمال او را تعقیب‌کننده خط ولایت می‌دانست. از این رو بود که می‌فرمود: «آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. قاسم سلیمانی می‌رود، قاسم سلیمانی دیگری می‌آید. احزاب و جریان‌ها اصل نیستند. اصول را توجه کنیم. اگر می‌خواهیم جامعه ما به وحدت حقیقی برسد، باید جامعه را در همه سطوح به اصول متوجه کنیم. اصل اساسی نگاه‌دارنده این نظام، ولی فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جان‌مان، با خون‌مان، در همه آحاد از آن دفاع کنیم. جان‌مان را می‌دهیم و هزاران بار می‌دهیم». در وصیت‌نامه خویش نیز می‌فرماید: «از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید».

۵. مبارزه با استکبار

استکبارستیزی، برخاسته از ویژگی مخالفت اسلام با هر گونه ظلم و ستم علیه دیگران و نیز ستم‌پذیری است. شهید حاج قاسم سلیمانی نه تنها پرچم‌دار و نماد مبارزه با استکبار جهانی، بلکه یک تفکر استکبارستیزی بود. او شاگرد ممتاز مکتب روح‌الله بود که در مبارزه با استکبار، مرز نمی‌شناخت، از دفاع مقدس تا جنگ ۳۳ روزه در لبنان و جنگ ۴۸ ساعته در نوار غزه، برایش میدان مبارزه با ظلم و استکبار بود. وجود و حضورش در صحنه‌های مبارزه با استکبار جهانی و ارتجاع عربی، همه سرمایه‌گذاری‌ها و توطئه‌ها علیه دنیای اسلام را خنثی می‌کرد. هنر او تبدیل «تهدید» به «فرصت» بود. در شاهکاری بی‌نظیر، پروژه خطرناک «دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» را نابود و آن را به فرصتی برای اتحاد امت اسلامی تبدیل کرد. در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، هشت روزه، سه روزه و ... با طراحی‌های هوشمندانه و حمایت فکری و میدانی، دشمن صهیونیستی را به تسلیم در برابر رزمندگان فلسطینی و لبنانی وادار کرد، هسته مقاومت را در کشورهای سوریه و عراق بنیان گذاشت و با سازماندهی، آموزش و ایجاد اتحاد و انسجام میان نیروهای رزمنده در برخی کشورهای اسلامی، روحیه خودباوری را به رزمندگان مسلمان تزریق کرد و آنان را به میدان‌های مبارزه با استکبار و صهیونیسم و سلفی‌گری کشاند.

۶. دفاع از مظلومان

مبارزه با استکبار و دفاع از مظلوم به‌عنوان دوروی یک سکه از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیات ایمانی زندگی مؤمنان است. براساس حدیث «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»، مسلمان نباید نسبت مسلمانان دیگر که مورد ظلم واقع شده‌اند، بی‌تفاوت باشد؛ بلکه باید به هر نوع که برایش ممکن است، از ظالم بیزاری نموده و به مسلمانان مظلوم کمک کند؛ زیرا امت اسلامی، امت واحده است.

سردار بزرگ اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی رزمنده‌ای بود که حتی لحظه‌ای برای دفاع از مظلومان و نبرد با تکفیری‌ها و ایادی تحجر از پا ننشست. شخصیت کاریزماتیک وی



در جنگ، از او نایغه‌ای کم‌نظیر برای برنامه‌ریزی در برهم کوبیدن دشمنان در میادین نبرد ساخته بود که با آوازه‌ای که در کشور و در رسانه‌های دنیا داشت، هیچ‌گاه دچار غرور و تکبر نشد؛ بلکه با کمال تواضع و فروتنی در میان هم‌زمانش حضور پیدا می‌کرد و در تمام صحنه‌های اجتماعی، بدون اندک احساس غروری حضور می‌یافت.

۷. فراجناحی بودن

یکی از نقاط قوت اخلاق اسلامی، توجه به انسان‌ها، حس همکاری، نیکوکاری و خدمت‌رسانی به مردم و به‌ویژه خدمت به مؤمنان و صالحان است. امام حسین علیه السلام فرموده است: «أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النَّعْمَ؛ از نعمت‌های خدا این است که مردم، حوائج خود را نزد شما می‌آورند. پس از نعمت‌های خدا [که حاجت مردم است] خسته و ملول نشوید». شهید حاج قاسم سلیمانی، نمونه بارزی از مسلمانی بود که در خدمت به مردم، به هیچ حزب و گروهی وابسته نبود. خود را متعلق به همه ملت می‌دانست و هر جا که می‌رفت، چنین وضعیتی داشت. در هر مسئولیتی که قرار می‌گرفت، کاملاً به این مسأله پایبند بود. او تبلور مردی بود که بر خلاف بسیاری دیگر، تمایلی به وسوسه‌های سیاسی یا طرفداری از یک جناح خاص پیدا نکرد و سرمایه‌ای متعلق به همه ملت ایران بود؛ چنان‌که در وصیت‌نامه‌اش به سیاسیون کشور می‌فرماید: «در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود، خدمت‌گزار واقعی و توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجیحات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کنند». راز ماندگاری انسان‌های پُر‌مهابت این روزگار، تعلق نداشتن به جناحی خاص است. شهید حاج قاسم سلیمانی، هرگز اجازه نداد جناحی او را مصادره کند؛ زیرا خودش را سرباز امام‌زمانش می‌دانست و تنها به امنیت و منافع ملی می‌اندیشید. خط قرمزش اسلام، ایران، انقلاب اسلامی، نظام، ولایت‌فقیه و رهبری و مقاومت بود؛ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز درباره ایشان فرمود: یک نکته مهم این است که در مسائل داخل کشور چون این حرف‌ها غالباً ناظر به مبارزات منطقه‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای او بود اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود؛ لکن

به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری، خط قرمزِ قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند. این واقعیتِ اوست، ذوب در انقلاب بود. انقلابی‌گری، خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند این‌ها نبود، اما در عالم انقلابی‌گری چرا؛ به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل بود (خانی و محمدی، ۱۳۹۹).

در حقیقت او «پدر» بود و جامعه را به‌مثابه «خانواده» می‌پنداشت و آحاد جامعه را چون اعضای خانواده می‌دانست که باید همه را زیر چتر خود قرار دهد. او فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی، با قرار گرفتن در رأس مسأله مهم امنیت ملی در اتمسفر منطقه‌ای و جهانی، تنها به اعتلای اسلام می‌اندیشید؛ از این رو بود که مورد احترام همگان از هر دسته و گروه و حزب سیاسی بود.

۸. محبوبیت جهانی

خداوند در قرآن وعده داده است که محبت افراد شایسته و باایمان را در دل‌های دیگران قرار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به‌زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد». سردار سرافراز اسلام، یکی از کسانی است که تمام زندگی‌اش را وقف خدا و خدمت به مردم کرده بود. او مرد عمل بود. روزنامه انگلیسی‌گاردین با اشاره به این‌که تمام مقامات مهم عراقی، شهید سلیمانی را یک فرشته می‌بینند و با او رایزنی دارند، درباره ایشان می‌نویسد: «حتی کسانی که سلیمانی را دوست ندارند، او را فردی باهوش می‌دانند. بسیاری از مقامات آمریکا که این چند ساله را صرف متوقف کردن کار افراد وفادار به سلیمانی کرده‌اند، می‌گویند که مایل هستند او را ببینند و معتقدند که مبهوت کارهای او شده‌اند».

او در دوران دفاع مقدس، با تمام وجود در تمام صحنه‌ها حاضر بود و بعد از آن نیز جهاد و مبارزه را به هیچ دلیلی و بدون هیچ چشم‌داشت سیاسی کنار نگذاشت. خود را به هیچ دسته، باند و گروهی محدود نکرد و به همه جریان‌ات درون نظام، صمیمانه وفادار بود و به



همه احترام می‌گذاشت. از این رو بود که همگان نیز او را دوست داشتند و به او احترام می‌گذاشتند. در صحنه بین‌المللی و جهانی نیز از محبوبیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود؛ زیرا نماد حضور یک مجاهد انقلابی در عرصه بین‌الملل بود که همه جریان‌های سیاسی بین‌المللی از او به‌عنوان کسی که صلح و آرامش منطقه را از طریق دفع اشرازی مثل داعش دنبال، و هزینه‌های زیادی را تحمل کرد تا بتواند با ریشه‌کن کردن عوامل شرارت، صلح و امنیت را به منطقه برگرداند، یاد می‌کنند. او در مقابل مردمان، انسانی متواضع و خاکسار بود تا آن‌جا که وقتی از منزل یکی از اهالی سوریه به‌عنوان مقرر برای مبارزه با داعش استفاده می‌کنند، پس از شکست داعش، برای اهالی آن خانه نامه‌ای می‌نویسد و ضمن حلالیت گرفتن از آن‌ها، آدرس منزل و شماره تلفن خود را برایشان یادداشت و آن‌ها را خانه خود دعوت می‌کند. محبوبیت او به‌گونه‌ای بود که حتی غربی‌ها نیز که دشمنان سرسخت او بودند، در نهران او را دوست داشتند. یک ژنرال آمریکایی پس از شهادت سردار دل‌ها نوشت: «سلیمانی فرمانده‌ای بود که مثل الماس می‌درخشید. در اجرای تاکتیک‌های جنگی، فوق‌العاده بود. در سازماندهی حشدالشعبی با توانمندی بسیار بالایی عمل کرد. ما افتخار می‌کردیم اگر او در ارتش آمریکا خدمت می‌کرد. مشکل سلیمانی این بود که علیه ما بود».

بدرقه بی‌سابقه پیکر پاک او و هم‌زمانش، گویای آن است که او اکنون فراتر از یک قهرمان، به یک گفتمان تبدیل شده است. گفتمان سلیمانی، امتزاجی از خصایص انسانی و راهبردهای عقیدتی و سیاسی است؛ یک انسان مخلص و پاک و یک سرباز و سردار انقلابی استکبارستیز. سلوک شهید سلیمانی مانند یک دستورالعمل و نسخه انسان‌ساز در تراز مدیر و مجاهد انقلابی شفاف‌بخش است و ویژگی‌های انقلابی و سیاسی او همچون یک مرز و منظومه بسیار شفاف و تفسیرناپذیر در مسائل مختلف داخلی و خارجی، راهگشا و چراغ راهنماست.

اصول و ارکان مکتب سلیمانی

اعتقاد راسخ به اسلام سیاسی و ولایت فقیه

اعتقاد راسخ به اسلام سیاسی بالاترین از کانون‌های اصلی این مکتب است. فراگیرتر

شدن این اصل است که دشمن را به وحشت انداخته است. آن‌ها از امت اسلامی یکپارچه و امیدوار به خود می‌لرزند. باور به این که اسلام غیر از مسائل فردی، وظایف عمومی هم دارد، حکومت، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی هم دارد. دین آمده است تا در جامعه پیاده شود و تحقق پیدا کند. اسلام‌هراسی دشمن انعکاس سراسیمگی و دستپاچگی آن‌ها در قبال این حقیقت است. حقیقت آمیختگی دین و سیاست، دین و زندگی، دین و علم، دین و مبارزه. تقلا می‌کنند اذهان را از این آمیختگی منصرف کنند. مجاهدت حاج قاسم اما درست نقطه مقابل این تلاش، یک میدان عملی است برای اثبات این آمیختگی است. دین خدا اگر جدای از سیاست و مبارزه و زندگی اجتماعی است، چرا در قرآن کریم، همه امور سیاسی از جمله؛ حکومت، جنگ و صلح، تعیین دوست و دشمن و... را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط می‌کند؟

حاج قاسم تصریح می‌کند؛ «اگر ملتی فاقد رهبری هوشمند، حکیم، بصیر و متقی بود؛ آن ملت شکست می‌خورد، باید توجه کنیم که چرا بیداری اسلامی در کشورهای مثل مصر، تونس و لیبی پیروز نشد؟ دلیلش این است که ملت‌ها فاقد رهبری بصیر بودند... دلیل اصلی پیشرفت عظیمی که ایران را به قطب عالم اسلام تبدیل کرده، رهبری است؛ عامل دوم نیز انسان‌های فداکاری هستند که همپا و همراه با رهبری، گام بر می‌دارند».

اراده قاطع بر حاکمیت دین خدا در جهان

از همین منظر، «اراده قاطع بر حاکمیت دین خدا در جهان» عنصر دیگر «مکتب سلیمانی» است. مطلوب ابرقدرت‌های جبار و زورگو آن است که همگان پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آن‌ها بسایند و در برابر غارت‌گری و اراده باطل و بی‌مهاری تسلیم باشند و اعتراض نکنند اما اراده قاطع و عزم جدی مؤمنان واقعی و مردان خدا، برچیدن بساط چپاول‌گران و جنایت‌کاران و خلق قدرت از دست شیطان‌های ظالم و فاسد و استقرار حاکمیت دین خدا در جهان است.

تکلیف‌شناسی و انجام وظیفه

اصل دیگر در «مکتب سلیمانی»، «تکلیف‌شناسی و عمل به آن» است. حاج قاسم، هیچ‌گاه دچار ترس و تردید و تزلزل نشد و از راه برنگشت. با تردیدافکنی‌ها دلش نلرزید و هرگز احساس پشیمانی نداشت! زیرا تکلیف برایش روشن و مشخص بود. آن را فهمیده بود و بر طبق آن عمل می‌کرد.

ذوب در انقلاب بودن و جهت‌گیری انقلابی و جهادی

انقلاب اسلامی مسیر حرکت تاریخ را تغییر داد. پیش از انقلاب، طغیان‌گران و سلاطین جور علاوه بر استبداد در همه عرصه‌ها، عزت مملکت را هم بر باد داده بودند. انقلاب آمد و ایران را از این وضعیت نجات داد و ملت در صراط مستقیم قرار گرفت. «ذوب در انقلاب بودن و داشتن جهت‌گیری انقلابی و جهادی» جزو شاخصه‌های «مکتب سلیمانی» است. او ذوب در انقلاب بود.

رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم فرمودند؛ «یک نکته مهم این است که در مسائل داخل کشور چون این حرف‌ها بیانات پیش گفته رهبر انقلاب در همین دیدار غالباً ناظر به مبارزات منطقه‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای او بود- اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت اوست؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند این‌ها نبود اما در عالم انقلابی‌گری چرا، به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل علیه السلام بود» (خانی و محمدی، ۱۳۹۹).

سلوک معنوی و دوری از نفسانیت و خودخواهی

«سلوک معنوی» و «دوری از نفسانیت و خودخواهی» از خطوط دیگر «مکتب

سلیمانی» است. او اهل توجه، تذکر و خشوع و ذکر خدا بود. همراهان وی می‌گویند؛ حاج

قاسم نماز صبح را در دفتر کارش اقامه می‌کرد، حتی در تابستان که هنگام اذان اطراف ساعت ۴ صبح است. تأکید می‌کنند که حاج قاسم به شدت عنوان‌گریز بود. وقتی او را مالک اشتر علی می‌خواندند، در خود می‌شکست. به آخرت عمیقاً باور داشت و برای جهان آخرت کار می‌کرد و به شدت مراقب رفتارش بود. او بسیار مردم‌دار بود. با مردم در تماس بود. همراهانش ابراز می‌دارند که حاج قاسم دائم‌الذکر، اهل مستحبات، اهل بکاء و از بکائین نظامی بود. رهبر معظم انقلاب در منزل سپهبد سلیمانی با تأکید بر این‌که جهاد بیرونی متکی به جهاد اکبر یعنی جهاد درونی است، خطاب به دختر شهید گفتند: همه مردم عزادار و قدردان پدر شما هستند و این قدردانی در اثر اخلاص بزرگی است که در آن مرد وجود داشت، چراکه دل‌ها به دست خداست و بدون اخلاص، دل‌های مردم این‌گونه متوجه نمی‌شود.

باور به کرامت انسان‌ها و شتافتن به کمک آن‌ها

حاج قاسم رزمنده‌ای بدون مرز و میدان‌دار دفاع از مستضعفان در جهان بود. مقتدای انقلاب در نماز جمعه فرمودند؛ سپاه قدس یک نیرویی است که با سعه‌صدر به همه جا و همه کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرزند؛ رزمندگان بدون مرز. رزمندگانی که هر جا نیاز باشد، آن‌ها در آن‌جا حضور پیدا می‌کنند؛ کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند، خود را بلاگردان مقدّسات و حریم‌های مقدّس می‌کنند. سپاه قدس را به این چشم نگاه بکنیم، آن‌وقت، همین‌ها، همین کسانی که با جان خودشان، با همه توان خودشان به کمک ملت‌های دیگر و ضعیف‌ای اطراف منطقه که در دسترس آن‌هاست می‌روند، همین‌ها سایه جنگ و ترور و تخریب را از کشور خودمان هم دور می‌کنند و دفع می‌کنند. میهن عزیز ما یک بخش مهمی از امنیتش محصول کار همین جوانان مؤمنی است که در زیر فرماندهی سردار شهید عزیزمان سال‌ها کار کردند، تلاش کردند؛ این‌ها امنیت آورند، برای کشور هم این‌ها امنیت می‌آورند؛ بله، به کمک فلسطین و غزه و دیگر مناطقی که به وجود آن‌ها نیاز هست می‌روند اما برای کشور خودمان امنیت ایجاد می‌کنند. آن دشمنی که آمریکا او را

تجهیز کرده است، نه برای عراق و سوریه، بلکه در نهایت برای ایران، ایران عزیز؛ داعش را درست کردند، نه برای این که فقط در عراق مسلط بشود، هدف اصلی و نهایی ایران بود. آن‌ها می‌خواستند از این طریق، امنیت ما را، مرزهای ما را، شهرهای ما را، خانواده‌های ما را دچار ناامنی و تشویش بکنند؛ این‌ها متوقف شدند به کمک همین جوانان مؤمن و عزیزی که رفتند و این تلاش بزرگ را انجام دادند. خوی کاخ‌نشینی و اشرافی‌گری در هر مسئولی، مسئله‌ای در تضاد با ماهیت انقلاب اسلامی است. تجمل، مسئولین را از شأن مسئولیت‌شان دور می‌کند و عامل گسیخته‌شدن پیوند آن‌ها با مردم است (خانی و محمدی، ۱۳۹۹). همراهان حاج قاسم تصریح می‌کنند که ایشان ساده‌زیست بود اما تظاهر به ساده‌زیستی هم نمی‌کرد و ظاهری آراسته و منظم داشت. خانه‌ای نداشت. زمینی نداشت. خانه‌اش سازمانی بود. در مسائل شخصی و اجتماعی قناعت داشت و کارهای بسیار بزرگ را با امکانات محدود انجام داد. در سوریه مقابل ده‌ها لشکر از ده‌ها کشور با نیروهایی محدود پیروز شد

مقابله و مواجهه با نظام سلطه

نظام سلطه، شبکه پیچیده و سازمان‌یافته جنایت‌کاران، مستکبران و اشرار عالم است که سودای باطل نابودی جبهه حق را در سر دارد و تشکیل داعش و گسیل آن به سوریه و عراق به خیال دست یافتن به همین هدف متوهمانه بود. سپهبد سلیمانی اما با تکیه بر ایمان و اخلاص و تدبیر و عقلانیت پا در رکاب برد و با بسیج جوانان مؤمن در جغرافیای مقاومت، کشتی جنگی آمریکا را در سوریه و عراق به گل نشاند. «مقابله و مواجهه با نظام سلطه» دیگر عنصر این مکتب درخشنده است. سپهبد سلیمانی برای دشمن این‌طور رجزخوانی کرده بود: «ترامپ قمارباز! من حریف تو هستم. شما برای ما خط و نشان می‌کشید؟ ایران را نمی‌خواهد، نیروهای مسلح ایران را نمی‌خواهد؛ من حریف شما هستم؛ نیروی قدس حریف شماست. بدانید هیچ شبی نیست که ما بخواییم و به شما فکر نکنیم. به شما می‌گویم آقای ترامپ قمارباز! بدان در آن جایی که فکر نمی‌کنی، ما در نزدیک شما هستیم. ما ملت شهادت

هستیم، ما ملت امام حسین علیه السلام هستیم. پیرس ما حوادث سختی را پشت سر گذاشتیم. بیا! ما منتظریم؛ ما مرد این میدان برای شما هستیم. شما می دانید این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما، این جنگ را شما شروع می کنید اما پایانش را ما ترسیم می کنیم. بنابراین نباید به ملت ایران اهانت بکنید، نباید به رئیس جمهور ما اهانت بکنید، باید بدانید که چه می گوید. از پیشینیان خودتان پرسید. از تجربه آن ها بهره ببرید. یقیناً در داخل آمریکا کسانی هستند و مؤسسات مطالعاتی فراوانی هستند که این ها را مطالعه می کنند، به او گوشزد می کنند و به او یادآوری می کنند».

تدبیر، باور به داشته ها و اتکاء به آن

دستیابی به اهداف روشن ثمره باور به توانمندی ها و داشته ها و بهره گیری به هنگام از آن هاست. مقتدای انقلاب در دیدار مردم قم، ابزار داشتند؛ شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم باتدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی ها اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر می رفت و ابا نداشت؛ نه فقط در حوادث این روزها، در دوران دفاع مقدّس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین جوری بود؛ خودش و لشکرش هم با تدبیر بود؛ فکر می کرد، تدبیر می کرد، منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصه سیاسی فعّالند این را می گفتم؛ رفتار او را، کارهای او را می دیدم. در عرصه سیاست هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع کننده بود، تأثیرگذار بود. از همه این ها بالاتر، اخلاص او بود؛ با اخلاص بود؛ این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج می کرد؛ اهل تظاهر و ریا و مانند این ها نبود. اخلاص خیلی مهم است. ماها تمرین کنیم در خودمان اخلاص را (خانی و محمدی، ۱۳۹۹). سپهبد سلیمانی به نصرت الهی باور و امیدی پایان ناپذیر به خدای متعال داشت. او می دانست که با قدرت های جنایت کار باید با قدرت

ایمان و مقاومت و اتکاء به نصرت الهی، مواجهه شد. به وعده تخلف‌ناپذیر خدا که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» ایمان عمیق داشت. خدا یاری‌کنندگان را نصرت می‌کند و ثبات قدم می‌دهد. کارهای او مصداق قطعی نصرت دین خدا بود و بر طبق وعده الهی، نصرت خدا نصیبش شد. آن‌که را نصرت خدا شاملش شد، پیروز است و هیچ قدرتی نمی‌تواند تضعیفش کند.

اقدام و عمل

عمل‌گرا بودن حاج قاسم سلیمانی از دیگر عناصر تشکیل‌دهنده مکتب شهید سلیمانی می‌باشد، عملیاتی بودن و اهل عمل بودن از دیگر عناصر شخصیتی حاج قاسم سلیمانی بود. او نه به کسی وعده داد و نه فقط حرف زد. با عملش رفتار کرد و همین مسئله او را رشد داد. چرا مکتب اسلامی که ما آن را مطرح می‌کنیم هنوز مانند مکتب قاسم سلیمانی جاذبه ندارد؟ به نظر مکتب اسلامی که ما در جامعه و مدرسه مطرح می‌کنیم از چندانان به عمل نزدیک نیست؛ لذا عمل‌گرا بودن قاسم سلیمانی به شخصیت او جذبه‌ای داد که همه را جذب خود کرد. قاسم سلیمانی نشان داد که برای عموم جامعه ارزش قائل است و اهل احترام به همه انسان‌هاست. روحیه کار و تلاش و عمل موتور پیش‌برنده ملت‌هاست. این ویژگی را سبب سلیمانی همراه ابتکار و اخلاص و صفا داشت و توانست گام‌های بزرگی برای اعتلای اسلام و انقلاب بردارد.

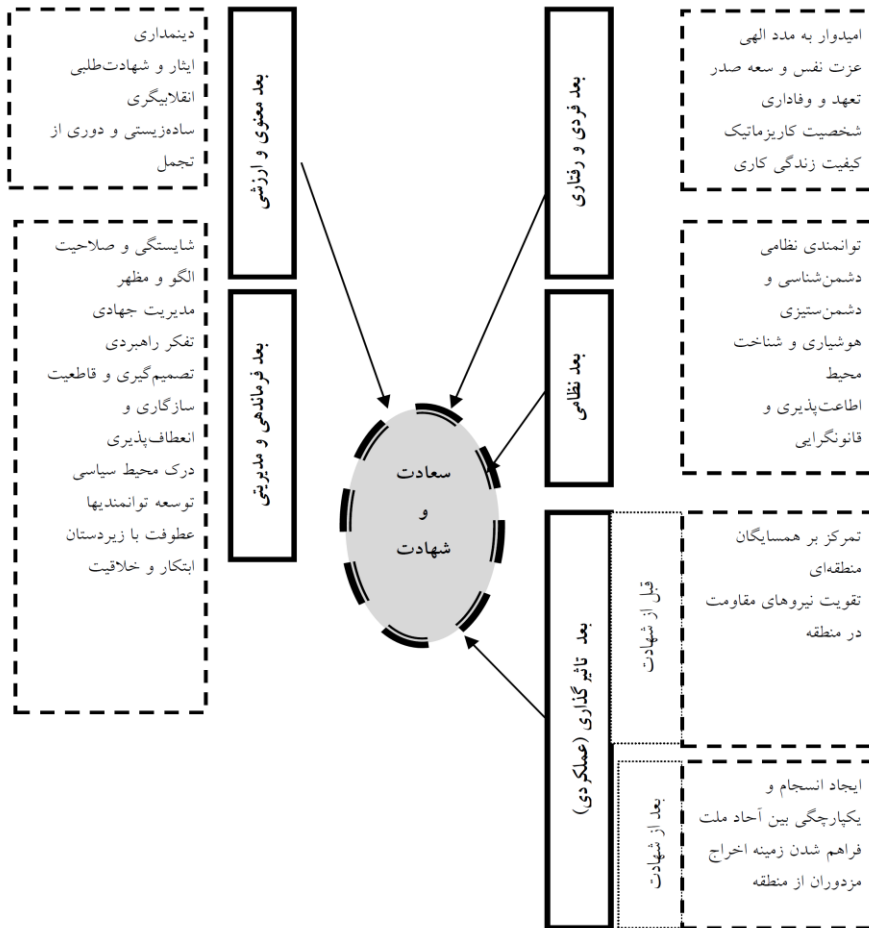
با توضیحات فوق، تفسیری منطقی از تأکید رهبری بر «شجاعت توأم با تدبیر حاج قاسم» و همچنین «مکتب سلیمانی» شکل می‌گیرد. در واقع مکتب حاج قاسم سلیمانی، شکستن معادلات علمی جنگ و حفظ آن تجارب میدانی موفق و تکیه بر آن‌ها بود؛ آن‌هم در زمانی که به دلیل تنوریزه نشدن آن تجارب، بسیاری از هم‌زمان او مبتلا به تخصص متداول جنگی شدند و نگرانی رهبری برای حفظ روحیه انقلابی در سپاه نیز باید به همین مسئله وابسته باشد. حاج قاسم سلیمانی کسی بود که توانست در برابر حمله‌های دکترین نظامی و امنیتی متداول که زمینه وابستگی به شرق و غرب را فراهم می‌آورد، یقین خود را

حفظ نماید و به آن تجربه‌های میدانی مفق تکیه کند. بلکه به نظر می‌رسد آن بزرگوار آن تجربه‌ها را روزآمد کرد و ارتقاء داد و به همین دلیل بود که توانست با توطئه‌های چندجانبه آمریکا در منطقه مقابله کند و آن‌ها را خنثی کند و با سازماندهی نیروهای مردمی شهادت طلب در منطقه، مهندس و معمار محور مقاومت در بُعد امنیتی و نظامی شود و با هزینه‌ای ناچیز، اُبّهت آمریکا و هزینه‌های چند تریلیون دلاری آن در نقاط مختلف منطقه را به صورت همزمان ناکارآمد کند و یوم‌الله‌های دیگری را در غلبه قدرت منطقه‌ای نظام اسلامی بر قدرت مستکبرین رقم بزند؛ آن هم با وجود فرهنگ‌ها و روحيات مختلف در رزمندگان کشورهای گوناگون! ایشان حتی روند دیپلماسی متداول که محور آن ارتباط با دولت‌هاست، تغییر دادند و توانستند با گروه‌های مختلف مقاومت که از متن مردم هستند ارتباط برقرار کنند و آنان را با وجود فرهنگ‌های گوناگون‌شان، در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن هماهنگ کنند. این کارآمدی بالا در مقابل کفر، سبب شد که خون‌شان توسط اشقی‌الاشقیاء ریخته شود و این عظمت در شهادت ایشان رقم بخورد والا انسان‌هایی که اهل حال و مناجات بودند، کم نیستند.

حاج قاسم سلیمانی می‌دانست که سال‌هاست شخصیت محبوب جامعه است اما در عین حال عاشق شهادت بود. این‌گونه معنویت و ارتباط با خدا زیباتر از معنویت‌های دیگری است و همین حاج قاسم سلیمانی را حتی برای کسی که اهل معنویت نیست، زیبا کرد. وقتی مردم با این شخصیت ارتباط می‌گیرند باید بررسی کرد که چه می‌شود این‌گونه مجذوب او شده و به او عشق می‌ورزند. قاسم سلیمانی چیزی جدا از اسلام ناب محمدی ﷺ که امام ﷺ فرمودند نیست اما برخی ویژگی‌ها در او برجسته شده است که ما در معرفی مکتب اسلام از آن غافل هستیم و ان‌شاءالله مکتب قاسم سلیمانی این غفلت‌ها را برطرف کند(خانی و محمدی، ۱۳۹۹).

براساس تجزیه و تحلیل، ابعاد و مؤلفه‌های مکتب شهید قاسم سلیمانی در شکل ۱ نمایش داده می‌شود.





شکل ۱. الگوی مکتب فرماندهی شهید قاسم سلیمانی

توانمندی و ظرفیت‌های مکتب شهید سلیمانی در جهان اسلام

سردار سلیمانی یکی از الگوهای ماندگار جهان اسلام است که در انجام وظایف، تکالیف شرعی، دینی و اخلاقی لحظه‌ای درنگ نکرد و برای رضای خدا و تبعیت از گفتمان ولایت فقیه و صیانت از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی پاکیزه اندیشید و پاکیزه ملکوتی و عرشی شد. از منظر مبانی اسلامی در برابر هر نعمت و مسئولیتی که به انسان داده می‌شود به میزان آن نعمت از انسان سؤال خواهد شد و شناخت این مسئولیت و عمل به وظیفه رمز

سعادت انسان در دنیا و آخرت است. یکی از وظایفی که باید به آن توجه و هر روز از خود سؤال کنیم، پرسش‌گری از خود در قبال نعمت‌های الهی است که وظیفه‌مان در برابر این نعمات چیست و در زندگی تا چه حد در مسیر تحقق آن به‌ویژه در قامت اسلام ناب و گفتمان انقلاب اسلامی و رضایت‌مندی حق قرار قدم برداشته‌ایم. شهید سلیمانی نمونه بارز و الگوی عملی از یک انسان مسئولیت‌شناس و وظیفه‌شناس بود که با گام نهادن در مسیر جهاد فی سبیل الله و گفتمان اسلام ناب به این عظمت و جایگاه رفیع رسید. شهید سلیمانی شخصیت بی‌نظیری بود که در اخلاق و معنویت زبان‌زد خاص و عام بود و در سخت‌ترین میدان‌های نبرد با شجاعت و عزمی راسخ نزدیک‌تر از همه با دشمن می‌جنگید و همواره هم‌زمانش به او افتخار کردند. وی الگوی عملی فرهنگ ایثار و شهادت و بازوی قدرتمند اسلام ناب در شکل‌دهی جریان مقاومت و تحولات خاورمیانه و جهان اسلام بود و تفکر او و نگاه متعالی ایشان همواره سد مستحکمی در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه بوده و است. اگر امروز سخن از برخی چالش‌ها در فراروی جهان اسلام هستیم علت آن دنیاطلبی، مادی‌گرایی، سستی در انجام تکالیف و باورها و اعتقادات و مرعوب‌پاوه‌گویی‌های دشمن شدن است و اگر امروز بافتخار سخن از مکتب سردار شهید سلیمانی سخن می‌گوییم بخاطر، تعهد، تقوا، لحظه‌شناسی، دشمن‌شناسی، وظیفه‌شناسی و تمسک این شهید والا مقام به گفتمان قرآن و عترت است.

آرزوی این شهید از خداوند متعال زندگی پاکیزه، خدمتی خالصانه و مرگی سرخ و متعالی بود و این نشان از عمق ایمان، وظیفه‌شناسی و تعهدکاری و عمق نگاه این شهید نسبت به جامعه، انقلاب، صیانت از امام و شهادت است و با این‌که در وصیت‌نامه‌اش خود را سرباز معرفی می‌کند این‌ها گوشه از عظمت اخلاقی و معنوی و نشان از عمق خلوص نیت است.

نتیجه‌گیری

برخورد هوشمندانه رهبر معظم انقلاب باعث شد امروز و پس از شهادت سردار قاسم سلیمانی از مکتب او سخن بگوییم. مکتب قاسم سلیمانی یعنی سخن گفتن از مکتبی

انقلابی و اسلامی که به صورت عینی مورد توجه قرار می‌گیرد. شخصیت قاسم سلیمانی و شهادت او تأثیر عمیقی در جامعه داشت، وقتی جامعه نسبت به شخصیت عینی از مکتب اسلامی این‌گونه تحت تأثیر قرار می‌گیرد اما در برابر نظریات مکتب اسلامی این‌گونه متأثر نمی‌شود، شاید نیاز داریم در بیان نظریه مکتب اسلامی تجدید نظر کنیم. اگر به اخلاص حاج قاسم اشاره کنیم باید بگوییم بدون شک اخلاصی بدون قدرت، مقاومت و حماسه این تأثیر را نداشته است. لذا مکتب حاج قاسم سلیمانی از جامعیتی برخوردار است که عناصر مختلفی آن را شکل می‌دهد. می‌توان تأثیرگذاری ایران در منطقه را یکی از عناصر تأثیرگذار در مکتب حاج قاسم سلیمانی دانست تأثیرگذاری ایران در منطقه برای هر ایرانی یک افتخار است که حتی ضدانقلاب خارج‌نشین نیز به آن اعتقاد دارد. اگر این تأثیرگذاری نبود شاید شاهد قهرمانی مانند حاج قاسم نبودیم. اساساً ملتی که از چارچوب خود خارج نشود و درون مرزهای خود بماند، نمی‌تواند قهرمان بی‌نظیری مانند حاج قاسم داشته باشد. حاج قاسم فقط مظلوم نبود بلکه مقتدر هم بود. همین مسئله باعث شد فرماندهای عزیز بین نیروهای خود و مردم شود. شهید سلیمانی تنها یک الگو در عرصه نظامی و جنگاوری نبود بلکه او برای همه کارگزاران و دست‌اندرکاران اداره بخش‌های مختلف کشور و برای آحاد ملت عزیز ایران مخصوصاً جوانان برومند این سرزمین یک الگوی جامع اخلاقی، فکری، معرفتی، معنوی و نمونه‌ای برجسته از مدیریت جهادی است. با داشتن چنین روحیه‌ای و چنین ویژگی‌هایی مطمئناً مسیر حرکت به سمت آینده‌ای روشن و امیدبخش بسیار دقیق‌تر و سریع‌تر طی خواهد شد. هر قدر به او و سیره معنوی و فکری و فضائل اخلاقی و نوع مدیریتش که مدیریتی جهادی با نگرشی انقلابی بوده است نزدیک‌تر شویم به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب نزدیک‌تر شده‌ایم. مکتب سلیمانی مکتبی جامع و مانع و ثمره حرکت هدف‌دار، سنجیده، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص حاج قاسم به سوی اهداف والا و الهی است. مجاهدت‌های او در لبنان، عراق، سوریه و... داغ بزرگی را بر دل دشمن گذاشت و ۷ تریلیون دلار هزینه کرد آن‌ها را در غرب آسیا دود هوا کرد. مکتب سلیمانی در دنیا می‌درخشد. محبت او در دل‌ها موج می‌زند اما این همه مسئله نیست. مردم با حضور ۲۵ میلیونی خود در تشییع

پیکر مطهر حاج قاسم در شهرهای مختلف، به استقبال مکتب سلیمانی به‌عنوان راه و خط روشن زندگی رفتند و وفاداری خود را به آن اثبات کردند. در سراسر جهان نیز آزادی‌خواهان و حق‌طلبان خروشیدند و اراده ضداستکباری‌شان شور و حرارتی دیگر یافت. این مکتب جامع در دنیا نقش‌ها خواهد آفرید. اکنون نوبت مسئولان و مدیران در سه قوه است که پایبند به مکتب سلیمانی باشند و با این سرمایه عظیم از گذرگاه‌های دشوار عبور کنند. اعتماد به دشمن و معطل آن ماندن از سوی برخی مسئولان در سال‌های اخیر مشکلات عدیده‌ای را به مردم تحمیل کرد، خسارت‌های عمده‌ای در پی داشت و فرصت‌های بسیاری را سوزاند. مسئولان کشور با پافشاری بر مکتب سلیمانی آن را سرمشق خود کنند و افق‌های تازه پیش روی ملت بکشایند. بهترین منبع و مرجع برای شناخت سپهبد شهید قاسم سلیمانی، بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص آن شهید بزرگوار است. در این مقاله تنها به چند مورد از فرمایشات ایشان متناسب با موضوع این نوشتار اشاره گردید.

منابع

۱. اعتراف مأمور سابق FBI درباره سردار سلیمانی (۱۳۹۷، ۲۷ آبان). خبرگزاری دانشجویان ایران، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۶ از وب‌سایت: <https://www.isna.ir/news/97082814255>.
۲. افروغ، عماد و دیگران (۱۳۸۸). جهانی شدن و جهان اسلام. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳. اکبری مزدآبادی، علی (۱۳۸۹). ذوالفقار: برش‌هایی از خاطرات شفاهی شهید حاج قاسم سلیمانی. تهران: نشر یا زهرا.
۴. توصیه‌های حاج قاسم به عزاداران مجلس حضرت زهرا علیها السلام (۱۳۹۸، ۸ بهمن). خبرگزاری تسنیم، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ از وب‌سایت: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/11/08/2191015>.
۵. جاوید موسوی، سیدحمید (۱۳۸۶). اتحاد اسلامی در آثار آیت‌الله شهید مطهری. تهران: صدرا.
۶. حاج علی اکبری، محمدجواد (۱۳۹۸، ۲۰ دی). واکنش سردار سلیمانی به پیشنهاد کاندیداتوری اش برای ریاست جمهوری. خبرگزاری جام‌جم آنلاین، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ از وب‌سایت: <https://jamejamonline.ir/fa/news/1244530>.

۷. حافظنیا، محمدرضا، زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱). چالش‌های ژئوپلیتیکی هم‌گرایی در جهان اسلام. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۴۴ (۳)، ۱۳۹-۱۵۴.
۸. خانی، علی؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۹). بازشناسی مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی مبتنی بر بیانات امام خامنه‌ای مدظله العالی. مطالعات راهبردی بسیج. ۲۳ (۸۶)، ۵-۳۸.
۹. خیرگو، منصور (۱۳۹۷). مفهوم‌سازی فرماندهی مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری، پژوهشی کیفی با استفاده از راهبرد نظریه داده بنیاد. فصلنامه مدیریت نظامی. ۱۶ (۶۴)، ۲۶-۴۱.
۱۰. دارابی، علی (۱۳۹۸، ۶ بهمن). سلیمانی به‌مثابه یک مکتب. روزنامه صبح نو، دسترسی در <http://sobhe-no.ir/newspaper/873/3/35273> از وبسایت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶
۱۱. زارعی، سعدالله (۱۳۹۸). کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی. مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۰ (۳)، ۵-۱۵.
۱۲. علوی، سیدمحمد؛ اسماعیلی، محمد (۱۳۹۷). ارائه الگوی فرماندهی مطلوب از دیدگاه اسلام و بیانات مقام معظم فرماندهی کل قوا (مدظله العالی) با رویکرد فراترکیب. فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۸ (۶۹)، ۱-۱۸.
۱۳. قدیمی، نورالدین (۱۳۹۸، ۱۸ دی). شاهکار حاج قاسم. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، دسترسی در <https://hawzah.net/fa/Note/View/74075> از وبسایت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸
۱۴. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ ش.
۱۵. طاهری، سیدمحمد (۱۳۹۶، ۱ آذر). سردار سلیمانی و ۷۰ نفر از نیروهایش چگونه اربیل را نجات دادند؟. خبرگزاری تسنیم، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۱۷ از وبسایت: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/09/01/1579804>
۱۶. طهرانچی، محمدمهدی (۱۳۹۸، ۱۸ دی). خاطره‌ای از توصیه سردار سلیمانی به دخترش. پایگاه خبری تابناک جوان، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ از وبسایت: <https://tabnakjavan.com/fa/news/12715>
۱۷. کرامتی، مرتضی (۱۳۹۸). سربازان سردار: شجاعت‌ها و رشادت‌های سردار حاج قاسم سلیمانی و شهدای مدافع حرم. قم: نشر سه نقطه.
۱۸. متن کامل وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی منتشر شد (۱۳۹۸، ۲۴ بهمن). خبرگزاری تسنیم، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ از وبسایت: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/11/24/2202443>
۱۹. محمدمظاهری، محمد (۱۳۹۹). ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهد قاسم سلیمانی. مدیریت اسلامی. ۲۸ (۱)، ۲۱-۴۶.

۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی. تهران: صدرا.
۲۱. نامه حلالیت سردار سلیمانی از یک خانواده سوری در عملیات آزادسازی البوکمال (۱۳۹۶، ۳ آذر). باشگاه خبرنگاران جوان، دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ از وبسایت:
<https://www.yjc.ir/fa/news/6334708>